

انقلاب اسلامی

کشور منطقه محسوب می شود. در سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) نقشی اساسی دارد. سومین تولیدکننده عمده نفت و صاحب سومین یا شاید دومین ذخایر گازی اثبات شده در جهان است. تا عصر منابع هیدروکربن به پایان نرسد، ایران هم چنان اهمیت خود را حفظ خواهد کرد. این کشور طی سده گذشته، یک دولت متمرکز و قدرتمند به وجود آورده است؛ دولتی که اقتدار آن از پایتخت به اقصا نقاط گسترش یافته و کم و بیش بر همه شهروندان دسترسی دارد. هم چنین، یک نیروی نظامی مردمی در اختیار دارد که به رغم عدم تجهیز برای یک جنگ تهاجمی، برای اهداف دفاعی بسیار مؤثر و کارا خواهد بود. برخلاف برخی از دولت های منطقه، [دولت] ایران را نمی توان یک دولت «شکست خورده» اطلاق کرد. ایران به لطف درآمدهای نفتی، سطح زندگی قابل توجهی برای شهروندان ایجاد کرده است: نرخ پایین مرگ و میر نوزادان، افزایش طول عمر، نرخ بالای باسوادی، شمار قابل ملاحظه دانشجویان از جمله زنان و دسترسی بسیاری از مردم به برق، آب لوله کشی شده، حمل و نقل مدرن و هم چنین کالاهای مصرفی نظیر یخچال، تلفن، رادیو، تلویزیون و خودرو. در این کشور هم اکنون یک طبقه بزرگ متوسط حقوق بگیر، یک طبقه کارگر تحصیل کرده و هم چنین یک طبقه سنتی کارآفرین، وجود دارد. ایران از جهات گوناگون دیگر در زمره کشورهای جهان سوم قرار نمی گیرد.

از سوی دیگر، نوعی هویت ملی برآمده از آیین شیعه، میراث پیش از اسلام و هم چنین تجربیات مشترک سده گذشته - تهدیدهای امپریالیستی غرب، انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری محمد مصدق، کودتای دربار سال ۱۳۳۲، عصر پهلوی و البته تجربیات پرشور انقلاب اسلامی و جنگ تمام عیار با عراق - مردم را به یکدیگر پیوند زده و عملاً نوعی انسجام به وجود آورده است. این هویت ملی نه تنها به واسطه تاریخ، جغرافیا، زبان و مذهب مشترک، بلکه به دلیل تجربه های جمعی اخیر - از جمله نه [ده] انتخابات ریاست جمهوری و هفت

بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است و اکنون این انقلاب، دهه چهارم عمر خود را سپری می کند. سه دهه یا اندکی بیشتر، از نظر مورخانی که عقیده دارند «تاریخ هر واقعه را باید صد سال بعد از وقوع آن خواند»، زمان زیادی نیست و از این منظر شاید نتوان درباره انقلاب اسلامی به قضاوت نهایی نشست. اما منطق تاریخ نگاری دیگر چندان خود را به این گونه سخنان پای بند نمی کند و براساس قواعد و ابزارهایی که در دست دارد، از تجزیه و تحلیل هیچ واقعه ای در زمان حال فروگذار نمی کند و حتی تاریخ آینده را براساس وقایع امروز پیش بینی می کند. شاید به همین دلیل است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، هزاران اثر اعم از مقاله، کتاب، فیلم، عکس، خبر و گزارش، درباره این واقعه تولید شده و هزاران صاحب نظر، مخالف یا موافق، در این زمینه سخن ها گفته اند.

تردید نیست، نهضتی که امام خمینی (ره) در دهه ۴۰ - و به تأکید خود ایشان، در ۱۵ خرداد ۴۲ - آغاز کرد و سپس آن را به یک انقلاب تمام عیار در سال ۵۷ ارتقا داد، از بسیاری جهات بزرگ ترین انقلاب و تأثیر گذارترین واقعه، پس از انقلاب های شوروی و چین بود؛ زلزله ای عظیم که پس لرزه هایش هنوز هم احساس می شود. ما اگر بخواهیم از زبان خود که شاهد انقلاب بوده و چه بسا در راه آن جان فشانی ها کرده ایم، و به ویژه از پیامد آن، دفاع مقدس، سخن بگوئیم و آن را بستانیم، هم چون ستایش فرزند از مادر خود، می توانیم «مثنوی هفتاد من کاغذ» بسراییم. اما شاید بهتر باشد که خود را در کانونی خارج از «حوزه خویشتن» قرار دهیم و سراغ کسی یا کسانی برویم که اگر چه خود در این کانون نبوده و یا نیستند، اما به سلاح دانش و آگاهی تاریخی مجهزند و نظراتشان برآمده از پژوهش و مشاهدات علمی و عینی است. پس با هم این عبارات را می خوانیم:

با انقلاب اسلامی، «ایران در مقام یک قدرت منطقه ای - اگر نگوئیم در خاور میانه، دست کم در منطقه خلیج فارس - وارد سده بیست و یکم شد. ایران با جمعیتی بالغ بر ۷۰ میلیون نفر، بزرگ ترین

امی زنده باد!

جدا از یکدیگر نیستند که بتوان هر یک را جدا از دیگری دید. به هر حال، آموزش و پرورش و آموزش عالی، بعد از انقلاب، تحولات بسیاری را از سر گذرانده و عقبه‌های بسیاری را پشت سر گذاشته تا به امروز و وضعیت فعلی رسیده است؛ از جمله تحول در افزایش تعداد دانش آموز و دانشجو، گسترش مدارس و دانشگاه‌ها در اقصا نقاط کشور، تحول کتاب‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، رشد مدرسه‌سازی و ساخت خانه‌های معلم و دیگر تأسیسات رفاهی، نگاه جدی‌تر مردم به تحصیل و ترقی، نگاه معلم به دانش آموز و دانش آموز به معلم، پرورش نخبگان و تیزهوشانی که در عرصه جهانی به موفقیت‌های علمی چشم‌گیر نایل آمده‌اند و... البته همه این‌ها نباید مانع از دیدن کاستی‌ها و کژی‌هایی شود که جامعه معلمی پیوسته در رفع آن‌ها، برای ارتقای منزلت خود می‌کوشد. سخن بر سر این است که آموزش و پرورش هم، بالنده و رو به رشد است و بی‌تردید، فردای آن بهتر از امروز خواهد بود؛ چرا که جامعه چنین می‌خواهد.

کوتاه سخن، فرارسیدن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به شما معلمان عزیز، به ویژه خوانندگان گرامی، تبریک می‌گوییم و می‌گوییم: «انقلاب اسلامی زنده باد!».

سردبیر

زیرنویس

۱. به نقل از تاریخ ایران مدرن. یرواند آبراهامیان. ترجمه ابراهیم فتاحی. نشر نی. ص ۳۳۶.
۲. عنوان سرمقاله را با گوشه چشمی به فصلی از کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» اثر جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر متوفای هندانتخاب کرده‌ایم. عنوان آن فصل چنین است: «انقلاب زنده باد!» مترجم در ذیل فصل توضیح داده است که «در متن انگلیسی کتاب هم، عیناً همین عبارت فارسی آمده است و اضافه می‌کند که مردم هند عیناً همین کلمات فارسی را به کار می‌بردند و این عبارت شعار دوران مبارزات استقلال طلبانه هند بود.»

انتخابات مجلس - از سال ۱۳۵۷ به این سو، استحکام یافته است. تاریخ هم چنین رعایا، دهقانان و حتی جمعیت غیرفارسی‌زبان را به شهروندان کامل ایرانی تبدیل کرده است. ایران برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، محصول نقشه‌سازی‌های امپریالیستی در سده گذشته نیست.

ظهور ایران در مقام یک قدرت منطقه‌ای، باعث تقابل این کشور با دیگر قدرت عمده حاضر در منطقه، یعنی ایالات متحده آمریکا شده است، به ویژه پس از اشغال کشورهای عراق و افغانستان توسط آمریکا و هم چنین ایجاد پایگاه‌های نظامی در آسیای میانه و قفقاز و پیش از آن در ترکیه و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس. این تقابل به واسطه وجود جمعیت شیعه در منطقه - در کشورهای عراق، افغانستان و لبنان - و انتظار آنان از ایران در مقام حامی اصلی ایشان در برابر تهدیدهای محلی و خارجی، پیچیده‌تر شده است. رقابت ایران و آمریکا به تازگی بر موضوع حساس و بحث‌برانگیز فناوری هسته‌ای متمرکز شده است. در این میان، ایران قاطعانه بر حق توسعه این تکنولوژی، هماهنگی آن با حقوق بین‌المللی، نیاز کشور به انرژی‌های جای‌گزین و هم چنین حقوق مسلم کشورهای در حال توسعه برای ورود به دنیای مدرن از طریق تقویت علوم پیشرفته، پافشاری کرده است. ایران هم چنین بر این امر تأکید دارد که هدف از گسترش برنامه‌های هسته‌ای، تولید سلاح‌های هسته‌ای نیست^۱.

چنان‌که گفتیم، این قضاوت درباره ایران، برآمده از نگاه تاریخ‌نگاری است که در پژوهش‌های خود، ایران معاصر را در کانون مطالعاتش قرار داده است. حال، در میان انبوه این تحولات، سزاوار است ما نگاهی نیز از سر اجمال به دستگاه تعلیم و تربیت کشور، به ویژه آموزش و پرورش، بیفکنیم و ببینیم، انقلاب برای این دستگاه چه دستاوردهایی داشته است؛ و البته به یاد بیاوریم این سخن **امام خمینی (ره)** را که: «انگوبید انقلاب برای ما چه کرده است، بگوئید شما برای انقلاب چه کرده‌اید!» که این حرف را می‌توان به این معنا تعبیر کرد که مردم و انقلاب، دو امر مجزا و